

# منع استفاده از سلاحهای کشتار جمعی از نگاه مذاهب\*

محمد رحمانی\*\*

## چکیده

بیشترین خشونتها در جنگ زائیده سلاحهایی است که نه تنها با کرامت انسان و اصول عدالت ناسازگار است بلکه عرف عام حاکمیتها در عرصه شعار آنها محکوم می کنند. به کارگیری سلاحهای غیرمتعارف همانند، هسته ای، میکروبی و شیمیایی، از منظر آموزه های اسلامی از جهات گوناگون ممنوع است. این اصل قویم اسلامی را می توان با تقریرهای متفاوتی به اثبات رساند. این نوشتار تلاش دارد تا مبانی فقها را از منظر آیات، روایات، عقل، اجماع و نیز فتاوی فقهای شیعه و سنی بررسی و مقایسه نماید.

واژه های کلیدی: سلاحهای کشتار جمعی، مذاهب، آیات، روایات.

\* تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۰ تاریخ تأیید: ۸۹/۴/۲۲  
\*\* استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه و مدرس حوزه علمیه قم.

## مقدمه

ریشه‌های رفتار خشونت‌آمیز و مخاصمات مسلحانه بین ملت‌ها و دولت‌ها را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. در یک نگاه، جنگ ریشه همه رویدادها و زمینه ساز تحولات بزرگ تلقی می‌شود. این دیدگاه بر اصل اجتناب ناپذیری جنگ در شرایط نامتعادل و وجود نابرابریها و عدم رعایت عدالت استوار است. در نگاهی دیگر، جنگ به عنوان یک غریزه در نهاد انسان معرفی شده‌است، زیرا هر انسانی برای به دست آوردن آنچه ندارد به جنگ متوسل می‌شود و از این رو جنگ ریشه اخلاقی دارد.

برخی ریشه‌های جنگ را در تحلیلهای روان‌شناسانه جست‌جو نموده و جنگ و خشونت را به عنوان نوعی برتری‌جویی و زورآزمایی به روان‌های معیوب و آفت‌زده منسوب کرده‌اند. جمعی دیگر جنگ را عامل مولد سیاست دانسته‌اند. قدرت که محور حکومت و سیاست است در قالب جنگها بروز می‌کند تا اقتدار طلبانه به مقاصد خود برسند. همواره فقدان تعادل قوا جنگ‌آفرین است و توازن قوا مانع جنگ است.

ریشه‌های جنگ از دیدگاه اسلام را می‌توان تحت عنوانهای زیر خلاصه کرد.

- الف. اختلاف و دوگانگی در دیدگاههای نظری و عملکردها.
- ب. ظلم و تجاوز در بهره‌گیری از مواهب حیات.
- ج. موازنه و باز شدن راه رشد و تکامل.
- د. دفاع از حقوق و کرامت.

بیشترین خشونت در جنگ زاییده سلاحهایی است که نه تنها با کرامت انسان و اصول عدالت ناسازگار است، بلکه نشانگر روح درندگی و صفات پلید است. به کارگیری سلاحهای غیرمتعارف همانند، هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، از منظر آموزه‌های اسلامی از جهات گوناگون ممنوع است و این اصل قویم اسلامی را می‌توان با تقریرهای متفاوتی به اثبات رساند.

این نوشته در صدد است که مبانی فقهی این مدعا را از منظر آیات، روایات، عقل و اجماع و فتوای فقه‌های شیعه و سنی بررسی کند. پیش از ورود به اصل مطلب، یادآوری می‌شود مطالب مربوط به حرمت استفاده از ابزار جنگی غیر متعارف فراوان است، از جمله بحث از جواز و حرمت تولید، نگهداری و فروش که بحث تفصیلی همه آنها از حوصله این نوشته خارج است. از این رو، مباحث مقاله را به طور اختصار در عناوین ذیل درباره حرمت استفاده از سلاحهای کشتار جمعی پی می‌گیریم.



- الف. مقتضای اصل اولی.
- ب. تبیین برخی از اصول باز دارنده در جنگ.
- ج. حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی دشمن.
- د. منع از بکارگیری سلاحهای آتش زا.
- ه. قاعده حرمت ترور.
- و. قاعده حرمت اعتدا.

### الف) مقتضای اصل اولی

در مباحث علمی و فقهی بحثی تحت عنوان مقتضای اصل اولی مطرح است تا اگر دست فقیه از ادله‌ای که حکم مسئله را روشن کند کوتاه شد، به مقتضای آن اصل رجوع کند. در بحث ما بلاشک این مطلب بسیار کارساز خواهد بود.

بلاشک مقتضای اصل اولی عبارت است از حرمت و منع استفاده از هرگونه سلاحی که موجب اذیت و آزار و کشتار انسانها بلکه حیوانات یا موجب نابودی محیط زیست شود. از مقتضای این اصل، مواردی که دلیل بر جواز آن است خارج شده است، مثل دفاع از جان و ناموس و عزت و شرف اسلام و مسلمانان در حد ضرورت.

بنابراین، بر فرض اینکه ادله لفظی مانند روایت نبوی و اطلاع و عموم آیه اعتدا و همانند آن، که دال بر حرمت استفاده از سلاحهای میکروبی و غیر متعارف است، وجود نداشته باشد درجواز و حرمت شک کنیم، مقتضای اصل اولی حرمت است.

ادله‌ای که این اصل را ثابت می‌کند فراوان است، از جمله: اطلاق عموم آیات دال بر حرمت قتل، مانند «من قتل نفساً بغير نفسٍ او فساداً فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً» (مائده: ۳۲). اطلاق و عموم: «اذا تولى سعى فى الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد» (بقره: ۲۰۵).

عموم و اطلاق روایاتی که از ائمه علیهم السلام به خصوص از رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در مورد نهی جنگجویان مسلمان از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات و... رسیده است.

عموم و اطلاق: «فان اعتزلوكم فم يقاتلوكم و القو اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سيلاً» (نساء: ۹۰).

عموم و اطلاق: «ولا تقتل النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام: ۱۵۱).  
عموم و اطلاق: «فمن اعتدا عليكم اعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله

مع المتقين» (بقره: ۱۹۴).

اطلاق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام: «واشعر قلب الرحمة للرعية... و لا تكون علیهم سباً ضارباً تتغنم اكلهم فانهم صنفان، اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق» (سیدرضی، ۱۴۱۵: ۵۳).  
 نیز اطلاق وعموم بسیاری از آیات و روایات دیگر بر احترام جان، مال انسانها، بلکه احترام جان هر صاحب روحی حتی روح نباتی در حیوانات و گیاهان دلالت دارد.  
 نتیجه: بر اساس عموم و اطلاق این آیات و روایات نتیجه می‌گیریم اصل اولی حرمت تجاوز و تعدی و کشتن و اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان است. از این اطلاق وعموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است.

اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاحهای کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع عموم و اطلاق ادله اولیه است.

#### ب) اصول بازدانه

پیش از بحث تفصیلی درباره مبانی حرمت و ممنوعیت سلاحهای غیر متعارف، تبیین برخی از اصول اسلامی در جنگ که از آموزه‌های دینی اعم از آیات، روایات، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام راجع به روش استفاده از تسلیحات از جمله ابزار جنگی غیر متعارف برمی‌آید، سودمند است.  
 هریک از اصول مورد نظر مبنای قرآنی و روایی دارد و از نظر فقها پذیرفته شده است.  
 نویسنده این سطور مقاله‌ای با عنوان «نقش اصول وقواعد اسلامی در توسعه حقوق بشردوستانه» تدوین کرده که در مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشردوستانه در تاریخ زمستان ۱۳۸۶ چاپ شده است. در آن مقاله برای هریک از آنها آیات و روایات شیعه و سنی به تفصیل آورده شده است. به جهت پرهیز از طولانی شدن از آوردن آیات و روایات صرف نظر می‌شود. بعضی از این اصول عبارت‌اند از:

۱. منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی و خونریزی.
۲. منع آغاز به جنگ بودن دعوت به حق و اتمام حجت.
۳. منع مثله کردن کشته‌های دشمن.
۴. منع نقض عهد و پیمانهای جنگی.
۵. منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع.
۶. منع اسارت پیش از اتمام حجت و دعوت به حق.
۷. منع کشتن سربازان دشمن، با امکان اسیر کردن آنان.
۸. منع کشتن و یا پی کردن حیوانات.

۹. منع جنگ پس از قبول اسلام.
۱۰. منع جنگ با اهل کتاب درحالتی که آمادگی انعقاد قرارداد ذمه را دارند.
۱۱. منع ادله جنگ، با پیشنهاد صلح از طرف دشمن.
۱۲. منع تخریب ساختمانها و ویرانگری آبادیها.
۱۳. منع بستن آب بر روی دشمن.
۱۴. منع کشتن سربازان دشمن که درحال فرار هستند.
۱۵. منع کشتن غیر نظامیان از قبیل کودکان، زنان، پیران، رهبانان، پرستاران، مجروحان، بیماران، پیغام رسانان و همانند آنها.
۱۶. نهی از کشتن افرادی از سربازان که با اجبار در جنگ شرکت کرده‌اند.
۱۷. نهی از کشتن کسانی که درجنگ اجبر شده‌اند.
۱۸. نهی از شرکت دادن اطفال در جنگ.
۱۹. منع از جنگهای کور وبدون نشانه.
۲۰. منع از به کار گیری افراد ناتوان درجنگ.

هریک از این اصول که برگرفته از آیات وروایات وسیره عملی رسول خدا ﷺ وائمه اطهار ﷺ درمیدان جنگ است، می‌تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت به کارگیری ابزار جنگی غیر متعارف هسته‌ای ومیکروبی مورد استدلال قرار گیرد.

### ج) حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی دشمن

پرواضح است در عصر رسول خدا ﷺ وائمه ﷺ از سلاحهای شیمیایی و میکروبی و سمی و هسته‌ای خبری نبوده است تا موضع آنان در برابر به کارگیری آنها مشخص شود، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است که از جهات مختلف مشابه سلاحهای غیرمتعارف عصر حاضر است. لذا می‌توان حکم آنها را به سلاحهای غیر متعارف عصر حاضر تعمیم داد. ازجمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان ومزارع وخانه‌ها، آب بستن برروی دشمن جهت غرق کردن آنها و... .

رسول خدا ﷺ وائمه ﷺ به نوعی درمقابل هریک از اینها موضع گرفتند و استفاده از این قبیل سلاحها را در آن عصر منع کرده‌اند. از آنجا که مسموم کردن مناطق مسکونی مشابهت بیشتری با سلاحهای غیر متعارف دارد، بیشترین بحث را به آن اختصاص می‌دهیم.

### روایات

روایتی در متون دینی از رسول خدا ﷺ وارد شده است که بر حرمت مسموم کردن محل

سکونت دشمن دلالت دارد.

«عن سکونی، عن جعفر عن ابیه عن علیؑ، ان النبیؐ نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۳)؛ رسول خداﷺ از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است.»

**بحث سندی:** برخی در سند این حدیث از آن جهت که سکونی واقع شده است اشکال کرده‌اند. لکن جواب اشکال این است که اکثر قریب به اتفاق رجالیون سکونی را مقبول الروایه دانسته‌اند. شاهدش این است که شخصیت رجالی که معروف به سختگیری در توثیقات است، یعنی حضرت آیت الله خوییؒ این روایت به معتبره سکونی تعبیر کرده است و طبق آن فتوا داده است. افزون بر این، بسیاری از فقهای قدیم و معاصر طبق آن فتوا داده‌اند (نویسنده، سال: ۲/ ۳۷۱). بنابراین نیازی به بحث بیشتر درباره سند نیست.

**بحث دلالتی:** منع ونهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است، لکن ملاک نهی اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هر گونه سلاحهای کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با استفاده از دیگر سلاحهای غیر متعارف نیست، بلکه استفاده از دیگر سلاحهای غیر متعارف به مراتب هولناک‌تر است. بنابراین، اگر در لسان مبارک رسول خداﷺ کلمه سم آمده است، قطعاً عنوان سم موضوعیت ندارد، بلکه اشاره به هرگونه سلاحی است که سبب کشتار افراد بی‌گناه در خارج از مناطق جنگی است، اعم از انسانها، حیوانات، و یا آسیب به مزارع و محیط زیست. بر این مدعا می‌توان قرائن و شواهدی نیز اقامه کرد، از جمله:

**اولاً:** اولویت قطعی، زیرا اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی به طریق اولی حرام است.

**ثانیاً:** در خود روایت نامی از آب و یا زمین و یا هوا برده نشده است، بلکه حضرت به صورت مطلق فرموده است سم پاشیدن در سرزمین مشرکان (دشمن) ممنوع است. پس شامل ابزارهای مسموم کننده زمین، هوا، آب و... می‌شود.

**ثالثاً:** این گونه احکام جنبه تعبدی ندارد تا سم دانسته شود و الغای خصوصیت جایز نباشد، بلکه از احکام توصلی است. لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود تعدی کرد.

**رابعاً:** پس از این آیات و روایاتی مورد بحث قرار می‌گیرد، از جمله آیه اعتدا، که کشاندن

جنگ را به غیر نظامیان ممنوع می‌کند. فرقی نمی‌کند این کار با مسموم کردن مناطق باشد یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای و غیر متعارف.

**نتیجه:** اطلاق این معتبره و همانند آن بر حرمت استفاده از سم در مناطق جنگی دلالت دارد. بی‌شک سم خصوصیتی ندارد و می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و آن را به هر سلاح کشتار جمعی تعمیم داد.

### نظرات فقها

بر اساس همین روایت و مشابه آن که در کلمات ائمه علیهم‌السلام آمده است، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. شیخ طوسی در کتاب *النهایة* که با عبارات آن معامله روایات می‌شود - زیرا بنای شیخ در این کتاب بر این بوده است که بر اساس متن روایات فتوا دهد و از این رو فقهای بعد از شیخ عین عبارت شیخ را متن فتوای خود قرار داده‌اند - می‌نویسد:

فانه لا یجوز أن یلقى فی بلادهم السم (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۱).

همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود.

۲. ابن ادریس می‌فرماید:

یجوز قتال الکفار بسائر انواع القتل واسبابه الا بتفریق الساکن ورمیهم بالغبیران والقاء سم فی بلادهم فانه لا یجوز أن یلقى السم فی بلادهم (حلی، ۱۴۱۰: ۲، ۷).

۳. ابن زهره در این باره می‌نویسد:

فانه لا یجوز أن یلقى فی دیارهم القاء السم ولا یقاتل فی اشهر الحرام فی من یری لها حرمة من الکفار إلا أن یبدأوا فیها بالقتال (۲۰۱).

۴. محقق ثانی (کرکی) می‌فرماید: «یحرم القاء السم إن امکن الفتح بدونه» (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۳/ ۳۸۵).

۵. شهید اول می‌فرماید: «ولا یجوز القاء السم علی الأصح» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲، ۳۲).

۶. شهید ثانی در *مسالك* می‌فرماید: «القاء السم لوادی الی قتل نفس محترمه حرام لذلک» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳، ۲۴).

۷. علامه حلی در *رئساد* می‌فرماید: «وتجوز المحاربة باصنافهم الا السم ولو اضطر الیه جاز» (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱، ۳۴۴).

۸. آیت الله محمد صدر، افزون بر فتوا به حرمت مسموم کردن مناطق و بلاد مشرکان، یک

قدم جلو می‌گذارد و تصریح می‌کند: هرچند در روایت سکونی عنوان سم به کار رفته است، اما بی شک سم موضوعیت ندارد، بلکه از نظر ملاک هرگونه سلاح غیر متعارف را شامل است (صدر، ۱۴۲۰: ۲/۳۸۴).

۹. آیت الله خویی رحمته الله علیه می‌فرماید: «لا يجوز لقاء السم في بلاد المشركين لنهي النبي صلى الله عليه وآله في معتبرة السكوني عن ابي عبدالله عليه السلام قال قال امير المؤمنين عليه السلام نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يلقى السم في بلاد المشركين» (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۷۱).

۱۰. صاحب جواهر در ذیل کلام محقق حلی که فرموده است: «يحرم لقاء السم»، قول به حرمت را به بسیاری از فقها از جمله شیخ درنهایه و ابن زهره در غنیة النزوع و ابن ادریس در سرائر و علامه در مختصر النافع و تبصره و ارشاد و شهید اول در دروس و محقق ثانی در جامع المقاصد نسبت می‌دهد و آن را به این نبوی مستند می‌کند. سپس می‌گوید ابن ادریس مستند منح و حرمت مسموم کردن بلاد را اختیار و نه تنها این خبر دانسته است. بعد از آن از عده‌ای علما از جمله علامه و شهید در لعمه و شهید ثانی نام می‌برد که بر اساس این روایت فتوا به کراهت داده‌اند نه حرمت. ایشان در مقام بیان دلیل کراهت از سوی این فقها می‌فرماید آنان سند این حدیث را و جهت وجود سکونی ضعیف دانسته‌اند.

سپس در مقام اشکال بر این فقها می‌فرماید: روایت سکونی از نظر دانش رجال مورد قبول است و بر عمل طبق روایات سکونی اجماع وجود دارد. پس سند روایت تمام است. بنابراین، این فتوا به کراهت صحیح نیست، بلکه باید فتوا به حرمت داده شود.

سپس ایشان بحث دیگری را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه عده‌ای از فقها فرموده‌اند مسموم کردن بلاد حرام است، در صورتی که موجب قتل غیر نظامیان گردد، و اگر تنها موجب نابودی دشمن در صحنه جنگ شود حرام نیست، چون پیروزی بر آن متوقف است.

ایشان در مقام اشکال بر این نظریه و اثبات اینکه مسموم کردن بلاد برای کشتن دشمن جایز نیست، حتی اگر تنها راه پیروزی متوقف بر آن باشد می‌فرماید:

روایت اطلاق دارد و حتی در صورت توقف پیروزی بر مسموم کردن بلاد، دال بر حرمت است. بنابراین، کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ، هرچند تنها راه پیروزی مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست. معلوم می‌شود این نظریه صاحب جواهر، فقیه شیعی، به مراتب از قوانین بین‌المللی درباره منع ابزار کشتار جمعی پیشرفته‌تر است.

۱۱. بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز در استفتائاتی که از آنها شده است به کارگیری



ابزارهای جنگی غیرمتعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند.  
نتیجه: بر اساس این روایات معتبره و فتوای فقهای گذشته واستفتا از مراجع معاصر، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

#### د. منع به کارگیری سلاحهای آتش‌زا

از جمله مواردی که در روایات منع و نکوهش شده، استفاده از سلاحهای آتش‌زاست. این گونه روایات نیز می‌تواند دلیل بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف باشد، زیرا مصادیق این گونه سلاحها در عصر رسول خدا ﷺ و ائمه ؑ بسیار ابتدایی بوده است، ولی مصداق آن در عصر حاضر پیشرفته است بنابراین، روایت شامل هرگونه وسیله آتش‌زا می‌شود، هرچند توسط ابزار هسته‌ای باشد. به همان تقریبی که در مبحث پاشیدن سم گذشت.

#### روایات

راجع به منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ روایاتی رسیده است. از جمله:  
۱. «عن ابی عبدالله ؑ قال أن النبی ﷺ کان اذا بعث امیراً له علی سریة امره بالتقوی الله عز وجل فی خاصة نفسه ثم فی اصحابه عامه ثم یقول اغز بسم الله وفی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله ولا تغدروا ولا تغلوا و لا تمثلوا ولا تقتلوا ولیداً ولا مبتلاً فی شاهر ولا تحرقوا النخل ولا تحرقوا بالماء ولا تقطعوا شجرة مثمر ولا تحرقوا زرعاً» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶، ۴۳).  
۲. «عبدالله ابن مسعود عن ابيه قال قال رسول الله ﷺ لا تعذبوا بالنار الا ربها» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶، ۱۴۳).

#### نظر فقها در مورد سلاحهای آتش‌زا

بسیاری از فقهای جهان اسلام بر اساس این گونه روایات تصریح کرده‌اند استفاده از سلاحهای آتش‌زا در میدان جنگ حرام است. بی‌شک بخشی از سلاحهای کشتار دسته جمعی و اتمی نیز به نوعی آتش‌زا هستند و از این رو مشمول این نظریات فقهی خواهند بود.

از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محقق حلی در **شرایع الاسلام** که قرآن فقه نام گرفته است، استفاده از هر نوع سلاحهای آتش‌زا را حرام دانسته است.

۲. محقق ثانی نیز استفاده از سلاحهای آتشزا و سوزاندن درختان، محصولات کشاورزی، حیوانات و انسانهای بی‌گناه را در صحنه جنگ حرام دانسته است (محقق حلی، ۱۴۱۵: ۲۱، ۶۶).  
 ۳. ابن ادریس از فقهای است که تصریح کرده است مقابله با دشمن با سلاحهای آتشزا جایز نیست. وی می‌نویسد: «يجوز قتال الکفار... الا رمیهم بالنیران» (محقق کرکی، ۱۴۰۸: ۳، ۳۸۵).  
**نتیجه:** بر اساس روایات و فتوای فقها می‌توان نتیجه گرفت استفاده از تسلیحات غیر متعارف در جنگ حرام است، چون مصداق سلاحهای آتش‌زاست.

### ه. قاعده حرمت ترور

از جمله ادله‌ای که ممکن است بر حرمت استفاده از ابزار کشتار جمعی دلالت کند، روایاتی است که دلالت دارد ترور و کشتن افراد در غیر میدان جنگ حرام است. پرواضح است استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی نوعی ترور پیشرفته است و به تعداد افراد کشته شده ترور صادق خواهد بود. بنابراین، همان ادله‌ای که بر حرمت ترور یک فرد دلالت دارد، بر حرمت استفاده از ابزارهای غیر متعارف نیز دلالت می‌کند.  
 روایات دال بر حرمت ترور متعدد است. از جمله نبوی معروف:  
 الايمان قيد التفک المؤمن لا یفتک.  
 ایمان ترور را به زنجیر کشیده. مؤمن ترور نمی‌کند.  
 این روایت در منابع شیعه و سنی زیادی، از جمله *مقتل ابی مخنف، تاریخ طبری، تنزیه الانبیاء* آمده است.

روش و سیره عملی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین و شاگردان مکتب آنان نیز این گونه بوده است. از آن جمله حضرت مسلم در شهر کوفه است عبیدالله ابن زیاد قصد عیادت شریک بن ابی اعرور از شیعیان و دوستان سید الشهداء را که در خانه هانی بن عروه بستری بود می‌کند. شریک با مسلم قرار می‌گذارند مسلم پشت پرده مخفی شود و به هنگام آمدن عبیدالله بن زیاد شریک بن اعرور جمله «اسقنی بشریة من الماء» را بگوید و او بر عبدالله حمله و کار آن جرثومه فساد را یکسره کند. به هنگام آمدن عبیدالله، شریک بن اعرور این کلمه رمز را بر زبان جاری می‌کند، اما از مسلم خبری نمی‌شود. بار دوم تکرار می‌کند، خبری نمی‌شود. سپس شعری می‌خواند که صید از قفس فرار می‌کند، ولی مسلم دست به ترور نمی‌زند. عبیدالله می‌فهمد و فرار می‌کند. شریک از مسلم می‌پرسد. چرا حمله نکردی؟ مسلم می‌گوید: به خاطر حدیث رسول خدا ﷺ: «الايمان قيد التفک والمومن لا یفتک» (ابی محتف، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

در تاریخ موارد دیگری وجود دارد که سیره عملی ائمه علیهم‌السلام اجتناب از هر گونه ترور و عمل غافلگیرانه بوده است. از جمله علی علیه‌السلام پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پیشنهاد به قتل رساندن دشمنان آن حضرت مخالفت کرد. (همان).

**نتیجه:** از حرمت ترور در اسلام نتیجه می‌گیریم استفاده از سلاحهایی که همانند سلاحهای کشتار جمعی انسانها جانشان را با قتل کور از دست دهند حرام است.

### ز) قاعده حرمت اعتدا

اعتدا عنوانی در فقه اسلامی و مشتمل بر احکام زیاد تکلیفی و وضعی است. از جمله این احکام، حرمت تکلیف تجاوز از حد در استفاده از ابزارهای غیر متعارف در جنگ است. از این رو، یکی از مصادیق بارز اعتدا قطعاً استفاده از ابزارهای کشتار جمعی است. بنابراین، براساس آیات و روایاتی که بر حرمت اعتدا در میدان جنگ با دشمن دلالت می‌کند، می‌توان به طور قطع و جزم فتوا به حرمت استفاده از ابزار کشتار جمعی داد. کما اینکه بسیاری از مفسران شیعه و سنی این استفاده را کرده‌اند.

### آیات

آیاتی که بر حرمت و منع اعتدا و تجاوز در استفاده از ابزارهای جنگی دلالت می‌کند فراوان است. در اینجا به یکی از آیات بسنده می‌شود.

وقاتلوهم فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولاتعتدوا ان الله لا یحب  
المعتدین (بقره: ۱۹۰).  
در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید.  
خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد.

این آیه را می‌توان از کلیدی ترین آیات راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آورد، زیرا می‌توان چندین اصل وقاعده را درباره جنگ با دشمنان از آن استفاده کرد. از جمله:

الف. اصل تناسب در تسلیحات جنگی.

ب. اصل تفکیک میان دشمن جنگجو و غیر جنگجو، همانند کودکان، زنان، پیران، بیماران، مجروحان، نیروهای خدماتی، و همانند آنها و نیز حیوانات و اشجار و مزارع و به طور کلی محیط زیست. بر اساس این آیه، استفاده از هرگونه سلاح جنگی که مصداق تعدی و تجاوز از حد باشد

حرام است. نیز کشاندن جنگ از منطقه جنگی به غیر آن که سبب آزار و اذیت شود، هر چند آزار حیوانات و گیاهان و محیط زیست باشد، حرام است. زیرا نهی در «لا تعتدوا» مطلق است و شامل هر گونه اعتدا حتی به محیط زیست می‌شود.

### نظرات مفسران قرآن

خوشبختانه بسیاری از مفسران جهان اسلام شیعه و سنی، افزون بر آنچه اشاره شده، مطلب دیگری نیز استفاده کرده‌اند که چون تتبع کامل از حوصله نوشته خارج است، فقط به مواردی اشاره می‌شود.

علامه طباطبایی<sup>۱</sup> بر این باور است که حرمت گسترش جنگ و کشتار غیر جنگجویان دشمن از باب تخصیص نیست، بلکه زنان و کودکان و پیران و همانند آنها تخصصاً خارج‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۸۷).

ایشان در مقام بیان مصادیق «لا تعتدوا» می‌فرماید: اگر پیش از پیشنهاد مصالحه بر سر حق و دعوت به آن جنگ شروع شود، این گونه جنگ حرام است یا چون مصداق اعتداست. آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: از این آیه برمی‌آید، افزون بر حرمت کشاندن جنگ به غیر نظامیان، تعدی به باغستانها، گیاهان و زراعتها و نیز استفاده از مواد سمی برای زهر آلود کردن آبهای آشامیدنی دشمن یعنی جنگ شیمیایی و میکروبی جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴: ۲، ۱۹).

مقدس اردبیلی در ذیل آیه می‌فرماید:

از جمله مصادیق اعتدا که حرام است، آغاز کردن جنگ پیش از آغاز دشمن و نیز کشتن کافر معاهد و دعوت دشمن به حق و کشتن به شکل ناروا (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۳۰۶).<sup>۱</sup>

### نظر مفسران اهل تسنن

۴۶

مفسران اهل تسنن، همانند مفسران شیعی، از عنوان اعتدا در آیه ۱۹۰ بقره حرمت استفاده از ابزار کشتار دسته جمعی را استفاد کرده‌اند. از باب نمونه، وهبه زحیلی، از متفکران

۱. برای آگاهی از نظرات دیگر مفسران شیعی مراجعه کنید به: حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۲، ۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱، ۲۲۸؛ شریف لاهیجی، ۱۳۶۲: ۱، ۱۷۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱، ۳۲۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۱۰: ۳، ۶۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱، ۳۱۵؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱، ۳۳۱ و فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱، ۳۴۴.

اهل تسنن، در تفسیر المنیر در مقام بیان مصادیق اعتدای حرام می‌نویسد آغاز به جنگ، کشتن افراد مسلم، جنگ باغیرنظامیان، مانند کودکان، زنان، پیران، تخریب خانه‌ها، قطع درختان، به آتش کشیدن زراعتها همانند تعدی به این موارد مورد کراهت و غضب خداوند است (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲، ۱۷۹).<sup>۱</sup>

### روایات

بسیاری از روایات فریقین نیز همانند آیه اعتدا، بر حرمت کشاندن جنگ از صحنه جنگ به منطقه غیر نظامی و تعدی کردن به غیر نظامیان و محیط زیست دلالت می‌کند. حال فرقی نمی‌کند این کار با تسلیحات متعارف باشد یا غیر متعارف.

### روایات از طریق اهل بیت

روایات منقول از طریق اهل بیت در این باره فراوان و چند دسته است. ما به گزارش یک دسته که جامع است بسنده می‌کنیم.

۱. «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن معاوية بن عمار قال اظنه عن ابي حمزة الثمالي عن ابي عبدالله قال: كان رسول الله ﷺ اذا اراد ان يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول سيروا بسم الله و بالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله ﷺ لا تغلوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صبياً ولا امرأة ولا تقطعوا شجراً إلا أن تضطروا إليهما...»<sup>۲</sup> (شيخ طوسي، ۱۴۰۷: ۶، ۱۳۸-۱۳۹)<sup>۳</sup>

۲. «روينا عن جعفر بن محمد عن ابيه عن ابياته عن ابي عبد الله عن رسول الله ﷺ إذا بعث جيشاً أو سرية أوصى صاحبها بتقوى الله في خاصة نفسه و بمن معه من المسلمين خيراً وقال اغزوا بسم

۱. برای آگاهی بیشتر نظرات مفسران اهل سنت مراجعه شود به: طنکاوی، بی تا: ۱، ۶۰۴؛ ابن عربی، بی تا: ۱، ۱۰۴؛ طبری، ۱۴۰۵: ۱، ۸۲ و ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲، ۸۷.

۲. استثنا در عبارت «إلا أن تضطروا إليها» تنها ناظر به عدم قطع درختان است. بنابراین، دلالت این گروه از روایات در ممنوع بودن قتل زنان و کودکان دارای اطلاق است.

۳. ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹، ۱۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۵، ۹۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵، ۵۸ این روایت از طریق دیگری (عنه عن الوشاء عن محمد بن حمران و جمیل بن دراج کلاهما عن ابي عبدالله(ع)) نیز نقل شده است. ر.ک: البرقی، ۱۳۷۱: ۲، ۳۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۳۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۶، ۱۳۹ و مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷، ۲۵.

الله وفى سبيل الله وعلى ملة رسول الله تقاتلوا القوم حتى تحتجوا عليهم... ولا تقتلوا وليداً ولا شيخاً كبيراً ولا امرأة يعنى إذا لم يقاتلوكم ولا تمثلوا ولا تغلوا ولا تغدروا» (التميمي المغربى، بى تا: ۳۶۹، ۱، ر.ك: محدث نورى، ۱۴۰۷: ۱۱، ۳۹).

۳. «عن على بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبى عبدالله عليه السلام قال: إن النبى صلى الله عليه وآله كان إذا أراد أن يبعث أميراً على سرية أمره بتقوى الله عز وجل فى خاصة نفسه ثم فى اصحابه عامة ثم يقول اغزوا بسم الله وفى سبيل الله قاتلوا من كفر بالله ولا تغدروا ولا تغلوا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً» (ر.ك: كلينى، ۱۴۰۷: ۵، ۲۹-۳۰؛ حر عاملى، ۱۴۰۹: ۱۵، ۵۸ و مجلسى، ۱۴۰۴: ۱۹، ۱۷۹).

### روايات اهل سنت

روايات از طريق اهل سنت در اين باره زياد است. از باب نمونه:

۱. «عن خالد بن الفزر حدثنى أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: انطلقوا باسم الله وعلى ملة رسول الله لا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً ولا صغيراً ولا امرأة ولا تغلوا وضموا غنائمكم و أصلوا وأحسنوا إن الله يحب المحسنين انتهى» (بيهقى، بى تا: ۹، ۹۰؛ ر.ك: ابن ابى شيبه، ۱۴۰۹: ۷، ۶۵۴؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰: ۵، ۳۲-۳۳؛ ابن عبدالبر التمهيد، ۱۳۸۷: ۲۴، ۲۳۲).

۲. «وأخرج ابن جرير وابن المنذر و ابن أبى حاتم عن ابن عباس فى قوله «ولا تعتدوا» يقول لا تقتلوا النساء والصبيان ولا الشيخ الكبير ولا من التقى السلم وكف يده فان فعلتم فقد اعتديتم» (سيوطى، بى تا: ۱، ۲۰۵).

۳. «عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أمر أميراً على جيش أو سرية أوصاه فى خاصته بتقوى الله ومن معه من المسلمين خير اثم قال اغزوا بسم الله فى سبيل الله قاتلوا من كفر الله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليداً. وإذا لقيت عدوك من المشركين فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال» (احمد بن حنبل، بى تا: ۵، ۵۸ و ر.ك: القزوينى، بى تا: ۲، ۹۳۵؛ الترمذى، ۱۴۰۳: ۳، ۸۶؛ البيهقى، بى تا: ۹، ۴۹؛ الهيثمى، ۱۴۰۸: ۵، ۲۵۶؛ ابن ابى شيبه، ۱۴۰۹: ۷، ۶۴۴؛ النسائى، ۱۴۱۱: ۵، ۱۷۲ و ۲۴۱؛ نيشابورى، ۱۹۸۰: ۲۴۰؛ البيهقى، بى تا: ۶، ۵۲۰).

۴. «عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال كان رسول الله صلى الله على وسلم إذا بعث أميراً على جيش أوصاه فى خاصة نفسه بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيراً فقال: اغزوا بسم الله و

فی سبیل الله قاتلوا من کفر بالله، اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا ولیداً» (ترمذی، ۱۴۰۳: ۲/ ۴۳۱)

### نظرات فقهای شیعه

فقهای شیعه بر اساس آیه اعتدا وروایات فروان تصریح کرده‌اند استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی حرام است. تتبع کامل در این موضوع از حوصله این نوشتار خارج است. از این رو، به مواردی اشاره می‌شود.

۱. «ولا يجوز قتال النساء. فإنقاتلن المسلمین وعاون أزواجهن ورجالهن، أمسک عنهن. فإن اضطروا الی قتلهن، جاز حیثئذ قتلهن، ولم یکن به بأس» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱، ۲۹۲).

۲. «ولا يجوز قتل النساء وإن قتلن مع أهلهن، إلا أن یدعو الی قتلهن ضرورة، وإن دعت ذلک ضرورة لم یکن به بأس» (ابن البراج، ۱۴۰۶: ۱، ۳۰۳).

۳. «مسألة: لا يجوز قتل صبیان المشرکین إجماعاً ولا نساءهم والمجانین منهم روی الجمهور عن یونس بن مالک أن النبی قال: انطلقوا باسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله ﷺ لا تقتلوا شیخاً کبیراً فانیاً ولا صغیراً و لا امرأةً ومن طریق الخاصة مارواه الشیخ فی الحسن عن أبی حمزة الثمالی عن أبی عبدالله ع قال: کان رسول الله ﷺ إذا أراد أن یبعث سریة رعاهم فأجلسهم بین یدیه ثم یقول لهم سیروا باسم الله و بالله وفي سبیل الله وعلى ملة رسول الله ﷺ الا تغلوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا صبیاً ولا امرأةً و ایما رجل من أدنی المسلمین وأفضلهم نظر الی أحد من المشرکین فهو جار حتی أن یسمع کلام الله فإن تبعکم فأخوکم فی دینکم وإن بغت

۱. همچنین ر. ک: احمد بن حنبل، بی تا: ۲۴۰، ۴؛ دارمی، بی تا: ۲، ۱۵؛ نیشابوری، بی تا: ۵، ۱۴۰؛ قزوینی، بی تا: ۲، ۹۳۵؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ۱، ۵۸۸؛ الترمذی، ۱۴۰۳: ۲، ۴۳۱؛ البیهقی، بی تا: ۹، ۶۹؛ النووی، ۱۴۱۴: ۱۲، ۳۷ (مبارکفوری، ۱۴۱۰: ۴/ ۵۵۲).

۲. ضرورت نظامی در اصطلاح فقه الجهاد و حقوق بشردوستانه بین المللی عبارت است از اقدامی که تنها و آخرین راهکار لازم برای شکست دشمن و یا جلوگیری از ادامه تجاوز دشمن باشد. این اصل که هر متخاصم تنها آن میزان و آن نوع نیرویی را که برای شکست دشمن لازم است باید به کار گیرد، مانع استفاده غیرضروری و بی‌جهت از زور می‌شود و یکی از اصول دیرینه و ثابت حقوق بشردوستانه به شمار می‌آید. در اسناد بین المللی نیز اصل ضرورت مورد توجه قرار گرفته به طوری که «استفاده از تسلیحات و ابزارهای جنگی که ممکن است باعث رنج غیر ضروری شوند، ممنوع می‌باشد. همچنان که تخریب غیر ضروری اموال نیز ممنوع گردیده است» (کنوانسیون لاهه - ماده ۲۳).

فاستعينوا بالله عليه و ابلغوا به مأمنه. ولأنهم ليسوا من أهل المحاربة فلا ينبغي قتلهم» (علامه حلي، ۱۳۳۳: ۹۱۱).

۴. «لا يجوز قتل المجانين، ولا الصبيان، ولا النساء منهم و ان أعن إلا مع الحاجة» (علامه حلي، ۱۴۱۳: ۱، ۴۸۶).

۵. «ولا يجوز قتل المجانين و الصبيان و النساء و إن أعنّ، ولو تترسوا كفّ عنهم إلا مع الضروره» (علامه حلي، ۱۴۲۱: ۸۰).

۶. «ولا يجوز قتل المجانين ولا الصبيان ولا النساء منهم ولو عاونهم بتشديد النون إلا مع الاضطرار بلا خلاف اجده في شيء من ذلك، بل في المنتهى الإجماع عليه في النساء و لاصبيان، بل وعلى قتل النساء مع الضرورة، مضافاً إلى ماسمعته من خبري جميل و الثمالي و غير هما، بل في رواية الجمهور عن أنس بن مالك أن النبي ﷺ قال: «انطلقوا بسم الله و بالله وعلى ملة رسول الله ﷺ، ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صغيراً ولا امرأة» (نجفی، بی تا: ۲۱، ۷۳).

۷. «خامساً: النهی عن قتل من لا یقاتل ولا یعین فی الحرب علی المسلمین: نهی رسول الله ﷺ عن قتل من لا یقاتل فی مکه، ونهی ﷺ عن قتل النساء و الصبيان و الشيوخ الذين لا یقاتلون ولا یعینون المقاتلين ولو بالتدبير و الفکر. كما نهی عن قتل العصفاء و الوصفاء و الرهبان و المقعد و أصحاب الصوامع الذين لا تدخل لهم فی حزب المسلمین بأی نحو و إليك النصوص» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱: ۹۱).

### نظرات فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت، همانند صاحب نظران شیعه، براساس آیات و روایات فتوا داده‌اند استفاده از ابزارهای کشتار جمعی و هرگونه عملی که موجب کشاندن جنگ به منطقه غیر نظامی باشد و موجب تعدی و تجاوز به غیر نظامیان و محیط زیست از فسیل حیوانات، مزارع و درختان و تخریب خانه‌ها گردد، حرام است. در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می‌شود.

### فقهای حنفی

۱. «ولا یقتلوا مجنوناً، ولا امرأةً ولا صبیاً، ولا أعمی، ولا مقعداً، ولا مقطوع الیمین، و لا شیخاً فانياً» (موصلی الحنفی، ۱۴۱۹: ۴، ۱۲۸).



۲. «ولا يقتلوا امرأة ولا صبياً ولا شيخاً فانياً ولا مقعداً ولا أعمى لأن المبيح للقتل عندنا هو الحراب ولا يتحقق منهم، ولهذا لا يقتل يابس الشق والمقطوع اليمنى والمقطوع يده ورجله من خلاف» (شوكاني، ۱۴۲۱: ۱۲، ۴۱۱).
۳. «ولا يقتلوا امرأة ولا صبياً ولا شيخاً فانياً ولا مقعداً ولا أعمى لأن المبيح للقتل عندنا هو الحراب ولا يتحقق منهم. ولهذا لا يقتل يابس الشق والمقطوع اليمنى والمقطوع يده ورجله من خلاف» (العناية شرع الهدايه، ج ۷، ص ۴۲۵).
۴. «لا ينبغي أن يقتل النساء من أهل الحرب ولا الصبيان ولا المجانين ولا الشيخ الفاني، لقوله تعالى «وقاتلوا في سبيل الله الذين يقاتلونكم» وهؤلاء لا يقاتلون وحين استعظم رسول الله ﷺ و قتل النساء أشار إلى هذه بقوله: هاه، ما كانت هذه تقاتل أدرك خالداً وقل له: لا تقتلن ذرية ولا عسيفاً» (سرخسی، ۱۹۷۱: ۱، ۴۴۹ - ۴۵۰).

#### فقهای شافعی

۱. «(فصل) ولا يجوز قتل نسائهم ولا صبيانهم إذا لم يقاتلوا لما روى ابن عمر رضي الله عنه أن رسول الله ﷺ نهى عن قتل النساء والصبيان ولا يجوز قتل الخنثى المشكل، لأنه يجوز أن يكون رجلاً ويجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك» (نووی، بی تا: ۱۹، ۲۹۵).
۲. «(قال الشافعی) رحمه الله تعالى ولا يجوز لاحد من المسلمين أن يعمد قتل النساء و الوالدان لان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن قتلهم أخبرنا سفيان عن الزهري عن ابن كعب ابن مالك عن عمه أن رسول الله ﷺ نهى الذين بعث إلى ابن أبي الحقيق عن قتل النساء والولدان» (ابن ادریس، ۱۴۰۳: ۴، ۲۵۲ - ۲۵۳).
۳. «ويحرم عليه قتل صبي ومجنون وامره وخنثى مشكل. الشرح: (ويحرم عليه قتل صبي و مجنون) ومن به رق (وامرأة وخنثى مشكل) للنهي عن قتل الصبيان والنساء في الصحيحين، والحق المجنون بالصبي، والخنثى بالمرأة لاحتمال أنوثته» (شربيني، ۱۹۵۸: ۴، ۲۲۲ - ۲۲۳).
۴. «قوله (نهى رسول الله ﷺ عن قتل النساء والصبيان) أجمع العلماء على العمل بهذا الحديث وتحريم قتل النساء والصبيان إذا لم يقاتلوا فإن قاتلوا قال جماهير العلماء يقتلون» (نووی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۴۸).

۱. شیرازی، ۲۰۰۳: ۳، ۴۳۹.

فصل: و لا يجوز قتل نسائهم ولا صبيانهم إذا لم يقاتلوا لما روى ابن عمر رضي الله عنه أن رسول الله (ص) نهى

## فقهائى حنبلى

١. «(فصل) ولا تقتل امرأة ولا شيخ فإن وبذلك قال مالك و أصحاب الرأى، وروى ذلك عن أبى بكر الصديق ومجاهد. وروى عن ابن عباس فى قوله تعالى(ولا تعتدوا) يقول لا تقتلوا النساء الصبيان والشيخ الكبير» (قدامه، (الف)، بى تا: ١٠، ١٠١ - ٥٤٤).
٢. «(مسألة) (وإذا ظفر بهم لم يقتل صبى ولا امرأة ولا راهب ولا شيخ فإن ولا أعمى، لا رأى لهم الا ان يقاتلوا) إذا ظفر بالكفار لم يجوز قتل صبى لم يبلغ بغير خلاف لما روى ابن

عن قتل النساء و الصبيان و لا يجوز قتل الخنثى المشكل لأنها أن يكون رجلا و يجوز أن يكون امرأة فلم يقتل مع الشك و ان قاتلوا جاز قتلهم لما روى ابن عباس رضى الله عنه ان النبى ﷺ مر بامرأة مقتولة يوم حنين فقال: [من قتل هذه؟ فقال رجل: أنا يا رسول الله غنمتها فأردفتها خلفى فلما رأته الهزيمة فىنا أهوت الى سيفى أو الى قائم سيفى لتقتلنى فقتلتها فقال النبى(ص): ما بال النساء] ما شأن قتل النساء و لو حرم ذلك لأنكره النبى ﷺ و لأنه إذا جاز قتلهن إذا قصدن القتل وهن مسلمات فلا يجوز قتلهن وهن كافرات أولى - (زرکش، ١٤٢٧: ٢، ١٠٦١).

الثانى: فيمن يحرم قتله: و هو الصبى و المجنون و المرأة و الخنثى المشكل، ففى الصحيح نهى عن قتل النساء و الصبيان، فإن قاتلوا قتلوا قطعاً - (الماوردى، بى تا: ١٠، ٧٠)

جاز قتل صبى و مجنون و من به رق و أنثى وخنثى قاتلوا و غير هم لا لالرسلى (نووى، ١٤٢٠: ٧، ٤٤٤) - جاز قتال صبى و مجنون و من رق و أنثى وخنثى قاتلوا فإن لم يقاتلوا حرم قتلهم للنهى فى خبر الصحيحين عن قتل النساء و الصبيان و ألحاق المجنون و من به رق و الخنثى بهما، على هذا يحمل إطلاق الأصل حرمة قتلهم. (غمراوى، بى تا: ٤٣٥)

(و يحرم قتل صبى و مجنون و امرأة و خنثى مشكل) إلا إذا قاتلوا فيجوز قتلهم (و يحل قتل راهب و أجير و شيخ و أعمى و زمن لا قتال فيهم و لا رأى فى الاظهر) و مقابلة المنع كالنساء فإن كان فيهم رأى أو قتال قتلوا بلا خلاف، (شروانى و العبادى، بى تا: ٩، ٢٤١)

(قوله إلا إن قاتلوا) قال فى العباد فيقتلون مقبلين وإن تدفعا بغيره لا مدبرين اه سم وياتى مثله فى الشارح وعبارة الروض مع شرحه إلا إن قاتلوا فيجوز قتلهم وإن أمكن دفعهم بغيره اه (حسينى الحصىنى الدمشقى، بى تا: ١، ٥٠٠)

يحرم قتل نساء الكفار و صبيانهم، وكذا المجانين إلا أن يقاتلوا لأنه عليه الصلاة والسلام نهى عن قتلهم و عن ابى عمر رضى الله عنهما أنه عليه الصلاة والسلام {مر فى بعض عزائوته فوجد امرأة مفتولة فأنكر النبى ﷺ قتل النساء و الصبيان} رواه الشيخان. (الماوردى، بى تا: ١٤، ٤٢٤-٤٢٥).

وَالْقِسْمُ الثَّلَاثُ: مِنَ الدَّرَارِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْأَطْفَالِ، فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُقْتَلُوا فِي الْمَعْرَكَةِ إِلَّا أَنْ يُقَاتِلُوا فَيُقْتَلُوا دَفْعًا لِأَدَائِهِمْ، فَأَمَّا بَعْدَ الْأَسْرِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يُقْتَلُوا، سِوَاءَ قَاتِلُوا أَوْ لَمْ يُقَاتِلُوا لِنَهْيِ النَّبِيِّ ﷺ عَنِ قَتْلِ النِّسَاءِ وَ الدَّرَارِيِّ وَ الْوُلْدَانِ، وَلَا نَهْيِهِمْ سَبَايَا مُسْتَرْفُونَ قَدْ مَلَكَهُمْ الْغَانِمُ كَأَلْمَالِ.

طالع

قال لهم - شمارة ٣٣ - يناير ١٣٨٩

عمر رضی الله عنهما ان النبی ﷺ نهی عن قتل النساء و الصبيان، متفق علیه و لان الصبی یصیر رقیقاً بنفس السبی ففی قتله إتلاف المال و إذا سبی منفرداً صار مسلماً فاتلافه اتلاف من یمکن جعله مسلماً» (عبدالرحمن بن قدامه، بی تا: ۱۰، ۴۰۰).

۳. «ولا یجوز قتل نسائهم و صبیانهم لما روی ابن عمر عن النبی ﷺ أنه نهی عن قتل النساء و الصبيان متفق علیه و لأنهما یصیران رقیقاً و مالاً للمسلمین فقتلهما إتلاف لمال المسلمین و لا قتل شیخ فان لما روی عن النبی ﷺ أنه قال: «لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لا طفلاً و لا امرأة» رواه أبو داود و لأنه لانکایة له فی الحرب أشبه المرأة و لاقتل زمن و لا أعمی لأنهما فی معنی الشیخ الفانی و لاراهب لما روی عن أبی بکر الصدیق رضی الله عنه: أنه أوصی یزید بن أبی سفیان حین بعثه إلى الشام فقال: لا تقتلوا الوالدان و لا النساء و لا الشیوخ و ستجدون قوما حسبوا أنفسهم فی الصوامع فدعوه و حسبوا له أنفسهم و لا قتل خنثی مشکل أنه یحتمل أنه امرأة فلا یجوز قتله مع الشک و من قاتل من هؤلاء کلهم قتل» (عبدالله بن قدامه، (ب)، بی تا: ۴، ۱۲۲).

### فقهای مالکی

۱. «ولا یقتل النساء و لا الصبيان لما صح من نهیه علیه الصلاة و السلام عن قتلهم» (أبى الأزهري، بی تا: ۴۱۴).

۲. «وها هنا تفریعان الأول فی الكتاب لا یقتل النساء و لا الصبيان و لا المشایخ الکبار و لا الرهبان فی الصوامع و الدیارات و یتترک لهم من أموالهم ما یعیشون به و نهی ﷺ عن قتل العسیف و هو الأجیر و فی مسلم نهی عن قتال النساء و الصبيان و فی النسائی لا تقتلوا ذریة و لا عسیفاً» (القرافی، ۱۹۹۴: ۳، ۳۹۷ - ۳۹۸).

### فقهای ظاهری

۱. «مسألة - ولا یحل قتل نسائهم و لا قتل من لم یبلغ منهم الا أن یقاتل أحد ممن ذکرنا فلا یمکن للمسلم منجا منه الا بقتله فله قتله حینئذ \* روینا من طریق البخاری نا أحمد بن یونس اللیث - هو ابن سعید - عن نافع ان ابن عمر أخبره (ان امرأة وجدت فی بعض مغازی النبی ﷺ مقتولة فأنکر) رسول الله ﷺ قتل النساء و الصبيان» (ابن حزم، بی تا: ۷، ۲۹۶).

## جمع بندی

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به کار گیری ابزارهای آتش‌زا و حرمت ترور و حرمت تجاوز از سلاحهای متعارف در جنگ صورت گرفت به این نتیجه قطعی و مسلم می‌رسیم استفاده از سلاحهای غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر تمام مذاهب فقهی اسلام، مذهب جعفری اثنا عشری، مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، و ظاهری حرام است.



## منابع

۱. ابن ادريس الشافعي، ابو عبدالله محمد، ۱۴۰۳ق، *كتاب الأم*، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
۲. ابن البراج القاضي، ۱۴۰۶ق، *المهذب*، اشراف: جعفر السبحاني، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۳. ابن خرم الاندلس، علي بن أحمد بن سعيد، بي تا، *المحلى*، دارالفكر.
۴. ابن عبدالبر القرطبي ابو عمرو يوسف بن عبدالله، ۱۳۸۷ق، *التمهيد*، تحقيق: مصطفى بن احمد العلوي، محمد عبدالكبير البكري، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الاسلامية، المغرب.
۵. ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، *الاستنكار*، سالم محمد عطا - محمد علي معرض، دارالكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.
۶. ابن قدامة المقدسي، عبدالرحمن، بي تا، *الشرح الكبير*، دارالكتاب العربي للنشر و التوزيع، بيروت.
۷. ابن قدامة الجماعيلي المقدسي، عبدالله بن احمد بن محمد، بي تا، *الكافي في فقه ابن حنبل*، از سلسلة المصادر الفقهية، علي اصغر مرواريد، دارالتراب.
۸. ابن قدامة الجماعيلي المقدسي، عبدالله بن احمد بن محمد (الف)، بي تا، *المعنى*، دارالكتاب العربي للنشر و التوزيع، بيروت.
۹. ابن العربي، محمد بن عبدالله بن ابوبكر، بي تا، *احكام القرآن*، بي تا، بي جا.
۱۰. ابو الفتوح رازي، حسين بن علي، ۱۴۱۰ق، *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، بنياد شهرستاني، انتشارات بيدار، قم، چاپ اول.
۱۱. ابومخنف، ۱۳۷۸، *مقتل الحسين*، تحقيق شيخ محمد هادي يوسف غروي، ترجمه علي كرمي، موسسه مطبوعاتي دارالكتب، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ش چاپخانه اش.
۱۲. أبي الأزهرى، بي تا، *التمر الداني*، بيروت، المكتبة الثقافية.
۱۳. احمد بن حنبل، بي تا، *مسند احمد*، بيروت، دارصادر.

١٤. أحمدى میانجی، علی، ١٤١١ق، *الاسیر فی الاسلام*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم المقدسة، الطبعة الأولى.
١٥. أصبهانی، ابونعیم، ١٤١٥ق، *مسند ابی حنیفة*، تحقیق: نظر محمد الفاریابی، الرياض، مكتبة الكوثر - الطبعة الأولى.
١٦. البانی، محمدناصر، ١٤٠٥ق، *ارواء الغلیل*، اشراف: زهير الشاويق، بيروت، المكتب الاسلامی، الطبعة الثانية.
١٧. برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد، ١٣٧١ق، *المحاسن*، دارالکتب الاسلامیة، قم المقدسة، الطبعة الثانية.
١٨. بیهقی، احمد بن الحسين، بی تا، *السنن الكبرى*، بی جا، دارالفکر.
١٩. ترمذی، محمد بن عیسی، ١٤٠٣ق، *سنن الترمذی*، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمانی، م، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، الطبعة الثالثة.
٢٠. التیمی المغربي، نعمان بن محمد، بی تا، *دعائم الاسلام*، ج ١، بیروت، المكتب الاسلامی.
٢١. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ١٤٢٢ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
٢٢. حرالعالمی، محمد بن الحسن بن علی، ١٤٠٩ق، *تفصیل وسائل الشیعة - الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم المقدسه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الاولى.
٢٣. حسینی الحصینی دمشقی الشافعی، تقی الدین أبی بکر بن محمد، بی تا، *کفاية الأخیار فی حل غایة الاختصار*، تحقیق علی عبد الحمید بلطجی و محمد وهبی سلیمان، دمشق، دارالخیر.
٢٤. حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتوح، ١٤٠٤ق، *آیات الاحکام*، تهران، انتشارات نوید.
٢٥. حلی، العلامة الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، ١٤٢١ق، *تلخیص المرام فی معرفة الأحکام*، المحقق / المصحح: هادی القیسی، قم المقدسه، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الأولى.
٢٦. حلی، العلامة الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، ١٣٤٣ق، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، المحقق / المصحح: الشیخ حسین پیشنماز أحرابی، مطبعة - الحاج أحمد آغا و محمود آغا، الطبعة الاولى.
٢٧. حلی ابن ادريس، ١٤١٠ق، *السرائر*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، التابعة لجامعة -

المدرسين، الطبعة الثانية.

۲۸. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، ۱۴۱۰ق، *المنهاج الصالحین*، قم المقدسه، نشر مدينه العلم.
۲۹. دارمی، عبدالله بن بهرام، ۱۳۴۹ق، *سنن الدارمی*، طبع بعناية- محمد أحمد دهمان، دمشق، مطبعة الحديثه.
۳۰. راوندی، قطب الدين سعيد بن هبة الله، ۱۴۰۵ق، *فقه القرآن في شرح آيات الأحكام*، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
۳۱. زحيلي، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ق، *التفسير المنير في العقيدة و الشريعة- و المنهج*، بيروت، دارالفكر المعاصر.
۳۲. زرکش، بدرالدين محمد بن بهادر بن عبدالله، ۱۴۲۷ق، *الديباج في توضيح المنهاج*، تحقيق: يحيى مراد، قم، دارالحديث.
۳۳. سجستاني، ابن الشعث، ۱۴۱۰ق، *سنن أبي داود*، تحقيق و تعليق: سعيد محمد للعام، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الأولى.
۳۴. سرخسی، محمد بن احمد، ۱۹۷۱، *السير الكبير*، ج ۵، قاهره، مطابع شركة- الاعلانات شرقيه.
۳۵. سيدابن زهره الحلبي، ۱۴۰۴ق، *مكتبة السيد المرعشي*، قم المقدسه، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی.
۳۶. سيدرضی، ۱۴۱۵، *نهج البلاغه*، بيروت، دارالاسوه.
۳۷. سيوطی، جلال الدين، بی تا، *الدر المنثور في تفسير المأثور*، بيروت، المكتبة الثقافه.
۳۸. شربيني، محمد بن أحمد، ۱۹۵۸م، *معنى المحتاج*، بيروت، داراحياء التراث العربي.
۳۹. شروانی و العبادي، بی تا، *حواتی الشروانی*، بيروت، داراحياء التراث العربي.
۴۰. شريف لاهيجي، محمد بن علي، ۱۳۶۲ش، *تفسير شريف لاهيجي*، تهران، دفتر نشر داد.
۴۱. شهيد الاول، محمد بن مكي العاملي، ۱۴۱۷ق، *الدروس الشرعية في فقه الامامية* - قم المقدسه، مؤسسه النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الثانية.
۴۲. شهيد الثاني، زيد الدين علي بن احمد العاملي، ۱۴۱۳ق، *المسالك الافهام الى تنقيح*، قم، شرايع الاسلام مؤسسه المعارف الاسلاميه، چاپ اول.
۴۳. شوکانی، محمد، ۱۴۲۱ق، *فتح القدير*، ج ۱۲، بيروت، دار ابن حزم.
۴۴. صدر الشهيد السيد محمد، ۱۴۲۰ق، *ما وراء الفقه*، المحقق، المصحح، جعفر هادی

- الدجيلي، بيروت، دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الاولى.
٤٥. طباطبائي، علامه محمدحسين، ١٣٧٤ش، *تفسير الميزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعهي مدرسين حوزه علميه قم.
٤٦. طبراني، ابوالقاسم سليمان بن احمد (الف)، بي تا، *المعجم الكبير*، تحقيق و تخريج، حمدي عبدالمجيد السلفي، بيروت، داراحياء، التراث العربي، الطبعة الثانية.
٤٧. طبراني، ابوالقاسم سليمان بن احمد، ١٤١٥ق، *المعجم الاوسط*، قسم التحقيق بدار الحرمين، بيروت، دارالحرمين للطباعة و النشر و التوزيع.
٤٨. طبراني، ابوالقاسم سليمان بن محمد (ب)، بي تا، *المعجم الصغير*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٤٩. طبراني، ابوالقاسم سليمان بن محمد، ١٤١٧ق، *مسند الشاميين*، بيروت، تحقيق و تخريج: حمدي عبدالمجيد السلفي، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
٥٠. طبري كياهراسي، ابوالحسن علي بن محمد، ١٤٠٥ق، *احكام القرآن*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٥١. طنطاوي، سيدمحمد، بي تا، *التفسير الوسيط للقران الكريم*، بي جا، بي نا.
٥٢. طوسي ابوجعفر محمدبن الحسن، ١٤٠٧ق، *تهذيب الاحكام*، طهران، دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الرابعة.
٥٣. طوسي، ابوجعفر محمدبن الحسن، ١٤٠٠ق، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بيروت، دارالكتاب العربي، الطبعة الثانية.
٥٤. العلامة الحلبي، ١٤١١ق، *ارشاد الاذهان*، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين.
٥٥. علامة حلبي، العلامة الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدي، ١٤١٣ق، *قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام*، قم المقدسه، مؤسسه النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الأولى.
٥٦. عيني الحنفي، ابو محمد بدرالدين، بي تا، *عمدة القاري في شرح البخاري*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٥٧. غمراوي، محمد الزهري، بي تا، *السراج الوهاج*، على متن المنهاج (شرف الدين يحيى النروي)، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
٥٨. فاضل مقداد، جمال الدين مقدادبن عبدالله، ١٤١٩ق، *كنز العرفان في فقه القرآن*، تهران،



- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۵۹. فیروزآبادی شیرازی، ابی اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف، ۱۴۲۴ق، *المذهب فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى.
۶۰. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، محقق / مصحح: فیاءالدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.
۶۱. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر.
۶۲. قاری، ملاعلی، ۱۰۱۴ق، *شرح مسند أبی حنیفة*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۶۳. قرافی، شهابالدین أحمد بن ادريس، ۱۹۹۴م، *الدخيرة*، تحقیق محمدحجی، بیروت، دارالمغرب.
۶۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۶۵. قزوینی، محمد بن یزید، بی تا، *سنن ابن ماجه* تحقیق و ترقیم و تعلیق، محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶۶. کاشانی، ملافتح الله، ۱۴۲۳ق، *زبدة التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۶۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، طهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.
۶۸. کوفی، ابن ابی شیبة، ۱۴۰۹ق، *المصنف*، تحقیق و تعلیق: سعید اللعام، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، جماد الآخرة، الطبعة الاولى.
۶۹. مارودی، العلامة أبوالحسن علی بن محمد، بی تا، *الحاوی الکبیر*، بیروت، دارالنشر / دارالفکر.
۷۰. الماوردی، السلامه أبوالحسن علی بن محمد، بی تا، *الاحکام السلطانیة*، بیروت، دارالنشر.
۷۱. مبارکفوری، صفی الرحمن، ۱۴۱۰ق، *تحفة الأخوذی*، بیروت، دارالکتب العلمیة الطبعة الأولى.
۷۲. مجلسی ثانی، المولی محمد باقر بن المولی محمد تقی، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۷۳. محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۱۷، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مشهد، مؤسسه آل البيت.
۷۴. محقق حلّی، جعفر بن محمد، ۱۴۱۲ق، *سرائع الاسلام*، ج، تعلیق و تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول.

٧٥. محقق كركي، المحقق الثاني علي بن الحسين العاملي، ١٤١٤ق، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، قم المقدسه، مؤسسه آل البيت ﷺ لاهياء التراث، الطبعة الثانية.
٧٦. محقق كركي، علي بن حسين، ١٤٠٨، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، ج ٩، قم مؤسسه آل البيت ﷺ.
٧٧. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، بي تا، *زبدة البيان في أحكام القرآن*، تهران، كتابفروشي مرتضوى.
٧٨. مكارم شيرازي، همكاران، ١٣٥٤ش، *تفسير نمونه*، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
٧٩. موصلي الحنفي، الامام عبدالله بن محمود بن مودود، ١٤١٩ق، *الاختيار لتعليل المختار*، تعليق و تخريج: عبدالطيف محمد عبدالرحمن، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٨٠. موصلي، ابويعلى، بي تا، *مسند ابى يعلى*، تحقيق، حسين سليم أسد، بيروت، دارالمأمون للتراث، الطبعة الثانية.
٨١. نجفي، محمدحسن بن باقر بن عبدالرحيم، بي تا، *جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام*، المحقق / المصحح: الشيخ عباس قوچاني، بيروت، دار احياء التراث العربى، الطبعة الأولى.
٨٢. نسائي، ابو عبدالرحمن، ١٤١١ق، *السنن الكبرى*، تحقيق: دكتور عبدالغفار سليمان البندارى و سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٨٣. نودى، محيى الدين أبوزكريا يحيى بن شرف الحوراني، ١٤٢٠، *روضه الطالبين*، بيروت، دارالكتب العلمية.
٨٤. نوودى، محيى بنشرف، ١٤١٤ق، *الاذكار النبويه*، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٨٥. نووى، محيى الدين أبو زكريا يحيى بنشرف الحوراني، بي تا، *المجموع*، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٨٦. نيشابورى، الحاكم الكبير ابواحمد، ١٩٨٠م، *معرفة علوم الحديث*، تحقيق: لجنة احياء التراث العربى فى دار الآفاق الجديدة و تصحيح السيد معظم حسين، بيروت، منشورات دارالآفاق الحديث، الطبعة الرابعة.
٨٧. نيشابورى، مسلم بن الحجاج، بي تا، *صحيح مسلم*، بيروت، دارالفكر.
٨٨. هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر بن سليمان، ١٩٨٨م، *مجمع الزوائد*، بيروت، دارالكتب العلمية.